



طرح تفکر سکولاریستی ناشی از تحریف آموزه‌های الهی است

تفکر سکولاریستی حاکم بر جهان غرب امروز، نوعی دین‌گریزی است که از مشکلات تاریخی غربیان و تحریف آموزه‌های الهی در کتاب مقدس مسیحیان، نشئت گرفته است.

تفکر سکولاریستی حاکم بر جهان غرب امروز، نوعی دین‌گریزی است که از مشکلات تاریخی غربیان و تحریف آموزه‌های الهی در کتاب مقدس مسیحیان، نشئت گرفته است.

محمد محمدرضایی، استاد فلسفه دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره گستره دین و انتظار بشر از دین، با بیان این مطلب که عقل انسانی، اصولاً یکی از منابع دین است، اظهار کرد: اگر عقل به حکمی قطعی برسد، این حکم از نظر اسلام نیز مورد تأیید است و همین عقل است که اثبات می‌کند انسان بعد از این دنیا، دنیای دیگری در پیش دارد و باز همین عقل است که لازمه رشد و تعالی و رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه جاودان را برقراری عدالت در همه ابعاد آن می‌داند.

محمدرضایی با اشاره به نارسایی‌های عقل، افزود: هر چند ما حکم قطعی عقل را جزء احکام دینی به حساب می‌آوریم، اما معتقدیم که به دلیل محدودیت منابع شناختیمان و نداشتن علم نامتناهی، نمی‌توانیم در همه موارد، با تکیه بر عقل صرف، حکم الهی و صحیح را آشکار کنیم و بر همین اساس است که خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» (نساء/ 113) یعنی ای پیامبری که اشرف انسان‌ها هستی! ما به تو چیزهایی آموختیم که خود نمی‌توانستی بدانی. بنابراین در نهایت، اعتقاد ما بر این است که عقل با کمک تعالیم دینی است که می‌تواند به سعادت دنیا و آخرت نائل شود.

وی با اشاره به اینکه در بسیاری از موارد، قرآن و روایات، تنها حکم کلی را بیان می‌کنند، عنوان کرد: در این موارد ما می‌توانیم احکام جزئی مسائل زندگی دنیوی را بر اساس کلیات بیان شده در قرآن و روایات مشخص کنیم و این تعیین حکم توسط کارشناسان دین صورت می‌گیرد، همچنان که در علوم ریاضی اصول ثابتی وجود دارد که ریاضیدانان، با توجه به آن اصول ثابت به هر مسئله‌ای پاسخ می‌دهند.

ترویج تربیت دینی توسط پیامبران بدون این که نهاد تعلیم و تربیت در اختیار آنان باشد، امکان‌پذیر نیست. همچنین ساری و جاری کردن این تربیت در همه سطوح اجتماعی نیازمند پیاده کردن عدالت در همه ابعاد آن است و این‌ها همه نیازمند تشکیل حکومت دینی است.

کنار گذاشتن دین به بهانه امکان سوء استفاده از آن موجه نیست

این استاد دانشگاه تهران در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به اینکه برخی افراد، دخالت دین در امور اجتماعی را موجب کاسته شدن از قداست آن می‌دانند، عنوان کرد: به عقیده این افراد زندگی اجتماعی را باید براساس عقل بشری اداره کرد و دین برای این که مقدس بماند، باید خود را از زندگی اجتماعی مردم برکنار دارد و فقط متکفل جنبه اخروی و فردی زندگی انسان‌ها باشد.

عضو هسته مرکزی قطب فلسفه دین ادامه داد: این افراد برای مدعای خود شواهدی از سوء استفاده‌های انجام گرفته یا تلخکامی‌های رقم خورده به نام دین، در عرصه اجتماع را ذکر می‌کنند، حال آن که باید توجه داشت که در همه جا و همه وقت این امکان وجود دارد که از چیزهای خوب به نحو بد استفاده شود و اساساً همواره سوء استفاده وقتی معنا دارد که استفاده‌ای صحیح در کار باشد.

محمدرضایی افزود: همچنان که به این بهانه که پول یا طلای تقلبی وجود دارد، کسی ارزش پول یا طلا را نادیده نمی‌گیرد؛ سوء استفاده از یک چیز دلیل درستی برای کنار گذاشتن اصل آن چیز نیست. بنابراین بر فرض سوء استفاده برخی افراد از دین، ما موجه به کنار گذاشتن دین از عرصه زندگی اجتماعی نیستیم، بلکه باید تلاش کنیم که به دین حقیقی دست یابیم و ضمن یافتن راه‌هایی برای جلوگیری از سوء استفاده از آن، آن را بر خود حاکم کنیم تا به اغراض و مقاصد دین برسیم.

هرچند ما حکم قطعی عقل را جزء احکام دینی به حساب می‌آوریم، اما معتقدیم که به دلیل محدودیت منابع شناختیمان و نداشتن علم نامتناهی، نمی‌توانیم در همه موارد، با تکیه بر عقل صرف، حکم الهی و صحیح را آشکار کنیم

وی با اشاره به حاکمیت تفکر سکولاریستی بر جهان غرب امروز، گفت: این تفکر که می‌توان آن را نوعی دین‌گریزی نامید، بر زمینه‌ای شکل گرفته است که مشکلات تاریخی غربیان و تحریف دین مسیحیت، آن را موجب شده است و نتیجه آن، چیزی است که امروز در غرب شاهد آن هستیم که در بهترین حالت، در کشورهای غربی این عقیده حاکم است که دین فقط به دنبال تقویت ارتباط شما با خداوند است و با زندگی دنیایی شما کاری ندارد و در واقع دنیا را باید خود انسان‌ها اداره کنند.

ریشه‌های سکولاریسم در انجیل

استاد فلسفه دانشگاه تهران به ریشه‌های این موضع در کتاب مقدس مسیحیان اشاره و بیان کرد: در انجیل یوحنا از قول حضرت عیسی(ع) نقل شده است که ایشان فرموده‌اند: اگر پادشاهی من از این جهان بود، حُدام من جنگ می‌کردند تا به یهود تسلیم نشوم، لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست. در اینجا به صراحت از قول حضرت عیسی(ع) بیان شده است که من کاری به این دنیا ندارم و پادشاهی من مربوط به جهان دیگری است. همچنین در تعبیر دیگری در کتاب مقدس، در انجیل متی و انجیل مرقس آمده است که حضرت عیسی(ع) در برابر این سؤال که آیا جزیه دادن به قیصر رواست؟، فرموده است: مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا.

محمدرضایی ادامه داد: در واقع از این عبارت این گونه استفاده شده است که جزیه دادن به عنوان يك کار دنیوی، کاری مرتبط با قیصر است و به خدا ارتباطی ندارد و بر همین اساس شأن و مقام حکومت، از شئون بشری و دنیوی است، نه از شئون الهی و دینی. بنابراین با چنین تفسیری است که جدایی دین و امور دنیایی و جدایی سیاست و حکومت را از آموزه‌های دینی تلقی کرده‌اند که به عقیده ما این تفسیر، در واقع، تحریف آموزه‌های ادیان الهی و پیامبران واقعی است که آمده‌اند تا زمینه رشد و تزکیه انسان‌ها را فراهم و آنان را به تعالی و مقام قرب الهی نائل کنند.

اعتقاد به حکومت جهانی حضرت ولی عصر(عج) با سکولاریسم ناسازگار است

وی با بیان اینکه رساندن انسان به چنین مقصودی بدون تشکیل حکومت امکان ندارد، اظهار کرد: ترویج تربیت دینی توسط پیامبران بدون اینکه نهاد تعلیم و تربیت در اختیار آنان باشد، امکان‌پذیر نیست. همچنین ساری و جاری کردن این تربیت در همه سطوح اجتماعی نیازمند پیاده کردن عدالت در همه ابعاد آن است و این‌ها همه نیازمند تشکیل حکومت دینی است و بر همین اساس هر شخصی که به حکومت جهانی حضرت ولی عصر(عج) اعتقاد دارد، نمی‌تواند سکولاریسم یا همان عدم دخالت دین در تدبیر امور اجتماعی را بپذیرد.